

سایه وهابیت بر حقوق زنان عربستان

اعظم ایل زکی

چکیده

زن و حقوق زنان در کشورهای گوناگون بارها مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. در طول تاریخ نقش زن و جایگاه او تحولات بی شماری را تجربه نموده است. گاهی زن را فوق انسان دانسته و گاهی او را به شیء مانند کرده و سعی در تملک آن داشته‌اند. با گذشت زمان، ظهور ادیان به ویژه دین اسلام و حمایت همه جانبه اسلام از مقام و منزلت زن و همچنین پیشرفت بشر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نگرش به زن تغییر نمود. به طور خاص نقش زن در کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفت به طوری که آنچه جوامع غربی پس از جنگ جهانی دوم تحت عنوان اسناد حقوق بشری در صدد حمایت از حقوق بشر و به ویژه حقوق زنان بودند، قرن‌ها قبل اسلام به رسمیت شناخته بود، اما در این میان ظهور ادیان خودساخته مانند وهابیت (آیین) در عربستان و حمایت حکومت آل سعود از این آیین موجب شد حقوق ذکر شده در دین اسلام در مورد حقوق زنان در این کشور کمرنگ شده و عربستان

تحت تسلط وهابیت به دوره جاهلیت بازگشت نموده و در بیشتر مسائل حقوقی و اجتماعی و آموزشی به شیءانگاری زن روی آوردند. سؤال اینجاست که چگونه نهادهای حقوق بشری در مورد زنان عربستان صرفاً به تهیه گزارش روی آورده (گزارش دوره‌ای جهانی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳) و در طلب حق زنان عربستان هیچگونه اقدام جدی انجام نمی‌دهند؟ این مقاله به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژه: حقوق زنان، وهابیت، اسناد حقوق بشری، عربستان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در شهر عینه از شهرهای نجد کودکی به نام محمد (محمد بن عبدالوهاب) به دنیا آمد که سال‌ها بعد بر اساس اصول و عقاید او یعنی وهابیت یک رژیم سیاسی مبتنی بر نظام پادشاهی توسط فهد عبدالعزيز پایه‌گذاری شد. تکیه عقاید وهابیت بر عدم توجه به عقل است و دارای عقاید افراطی خاصی به ویژه در مورد زنان است. به عنوان نمونه حرام بودن رانندگی زنان، دیدن مردان در شبکه‌های ورزشی حرام است، پوشیدن شلوار لی برای زنان حرام است و ... حمایت آل سعود از این آیین موجب ماندگاری و تأثیر پررنگ عقاید و اصول این آیین بر تمام عرصه‌های زندگی در عربستان به ویژه حقوق زنان گردیده است. وجود تبعیض جنسیتی و محرومیت در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اشتغال و نظام قضایی و فقدان هویت مستقل از جمله نابرابری‌های علیه زنان عربستان است. اگرچه عربستان به معاهدات بین‌المللی حقوق بشری پیوسته مانند کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (حق شرط)، اما همچنان تحت تأثیر عقاید وهابیت نمی‌تواند به تعهدات بین‌المللی خود پایبند باشد و به همین دلیل نهادهای حقوق بشری به ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش‌های مختلفی را در مورد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی (گزارش ۲۰۰۹، ۲۰۱۳) و عدم رعایت حقوق بشر در تمام عرصه‌ها به ویژه حقوق زنان تأکید نموده است، اما متأسفانه به دلیل حمایت کشورهای قدرتمند مانند آمریکا و انگلستان از این کشور هیچگونه اقدام جدی برای احقاق حقوق شهروندان عربستان از طرف مجامع بین‌المللی اتخاذ نگردیده است و تاکنون پژوهشگران بی‌شماری در زمینه حقوق بشر در عربستان سعودی و

عقاید و هابیت مطالعه نموده و سعی در شفاف‌سازی عدم رعایت حقوق بشر در عربستان داشته‌اند که تاکنون به جز موارد خاصی این مطالعات ثمره نداشته است.

۱. وهابیت یا سلفی‌گری

از جمله عناوین و القابی که وهابیان و گروهی از جماعت‌های اسلامی بر خود گذاشته و بر آن افتخار می‌کنند، عنوان «سلفیه یا سلفی‌گری» است. این عنوان به نوبه خود بیانگر یک ایده و روش در برخورد با مسائل دینی است. آنان می‌گویند: «بهترین عصر عصر سلف صالح است. عصری که به پیامبر اکرم (ص) و زمان نزول وحی نزدیک‌تر است. چون مسلمین صدر اسلام سنت پیامبر (ص) و قرآن کریم را بهتر درک می‌کردند، لذا فهم آنان برای ما حجت است.»

اخیراً مشاهده می‌کنیم که وهابیان از اطلاق عنوان وهابی به خود پرهیز می‌کنند و درصدد تعویض آن به عنوان سلفیه برآمده‌اند، می‌گویند: «ما تابع یک شخص (محمد بن عبدالوهاب) نیستیم؛ بلکه تابع یک خط فکری به نام «سلفی‌گری» هستیم.» (رضوانی، ۱۳۸۸: ۹) بنابراین جا دارد که این موضوع را بررسی نماییم:

۱-۱ مفهوم لغوی سلفی

سلفی از ریشه سلف به معنای پیشین است. این منظور می‌گوید: سلف، یسلف، سلفاً؛ یعنی پیشی گرفت، سالف؛ یعنی پیشی گیرنده. ابن فارس می‌گوید: «سلف: س ل ف، اصلی است که دلالت بر تقدم و سبقت دارد. پس سلف کسانی هستند که گذشته‌اند.» جوهری نیز می‌نویسد: «سلف-یسلف- سلفاً به معنای «مضی»؛ یعنی «گذشت» آمده است و سلف الرجل؛ یعنی پدران، گذشته مرد.» از خلال این عبارات استفاده می‌شود که سلف در لغت به معنای تقدم زمانی است، لذا هر زمانی نسبت به زمان آینده سلف

و نسبت به زمان گذشته خلف است. (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۰)



۱-۲ مفهوم اصطلاحی سلفی

سمعانی می‌گوید: «سلفی نسبتی به سلف است و این نسبت شناخته می‌شوند.»

در معنای اصطلاحی سلف اختلاف زیادی است:

۱- دکتر محمد سعید رمضان بوطی می‌گوید: «سلف در اصطلاح بر کسانی اطلاق می‌شود که در سه قرن اول اسلام می‌زیسته‌اند.»

۲- برخی دیگر آن را در خصوص صحابه و تابعین تابعین اطلاق نموده‌اند.

۳- دکتر یوسف قرضاوی در مفهوم اصطلاحی سلفیه می‌گویند: «سلف عبارت است از همان قرن‌های اول که بهترین قرن‌های این امت است. قرن‌هایی که در آنها فهم اسلام، ایمان، سلوک و التزام به آن تحقق یافت. سلفی‌گری نیز عبارت است از: رجوع به آنچه که سلف اول در فهم دین؛ اعم از عقیده، شریعت و سلوک داشتند.»

۴- احمد بن حجر آل ابوظامی می‌گوید: «مذهب سلف عبارت است از: آنچه صحابه، تابعین اتباع آنان و ائمه فقه بدان معتقد بوده‌اند.»

۵- محمد ابو زهره می‌نویسد: «مقصود از سلفیه کسانی هستند که در قرن چهارم ه. ق ظاهر شدند. آنان تابع احمد بن حنبل بوده و گمان می‌کردند که تمام آرایشان به احمد بن حنبل منتهی می‌گردد؛ کسی که عقیده سلف را زنده کرد و برای آن جهاد نمود. آنگاه در قرن هفتم ه. ق توسط شیخ الاسلام ابن تیمیه احیاء شد، او شدیداً مردم را به این روش دعوت کرد و با اضافه کردن مسائلی به آن مردم عصرش را به تفکر واداشت. آنگاه در قرن دوازدهم آرای او در جزیره العرب توسط محمد بن عبدالوهاب احیاء شد که تاکنون وهابیان آن را زنده نگه داشته‌اند.»

- ۶- دکتر سید عبدالعزیز سیلی می نویسد، سلف از چند جهت مورد بحث است:
- از ناحیه لفظی: بر جماعتی که در گذشته بوده‌اند، اطلاق می‌شود.
 - از ناحیه اصطلاحی: بر کسی اطلاق می‌شود که مذهبش در دین تقلید شده و اثرش متابعت می‌شود؛ همانند ابوحنیفه، مالک، شافعی و ابن حنبل که اعیان سلف ما هستند و صحابه و تابعین نیز برای آنان سلف‌اند.
 - از ناحیه تاریخی: برخی سلفی را به کسانی اطلاق می‌کنند که در قرن پنجم ه.ق زندگی می‌کرده‌اند. عده‌ای دیگر بر کسانی اطلاق می‌کنند که در قرن چهارم ه.ق می‌زیسته و از حنابله بوده‌اند.
 - از ناحیه اعتقادی: مراد از آنها صحابه و تابعین و تابعین است؛ کسانی که به اصول سنت و راه‌های آن آگاهند. آنان که پاسداران عقیده و حامیان شریعت‌اند.
- (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۱)

سلفیون کسانی هستند که می‌گویند: «ما ایمان داریم به آنچه که مسلمانان پیش از صحابه رسول (ص) و ائمه دین به آن ایمان آورده‌اند.»

۷- دکتر عبدالرحمان بن زید زیندی می‌گوید: «سلفی منسوب به سلف است، زیرا «یاء» در این کلمه برای نسبت بوده و سلفی به کسی اطلاق می‌شود که خودش یا دیگری او را به جماعت پیشینیان نسبت می‌دهد و سلفیه نسبت مؤنث به سلف است؛ همانند سلفی برای مذکر. وجه دیگری نیز دارد و آن خاصیت پیش بودن پیشینیان است.»

۲. احمد بن حنبل رئیس خط سلفی‌گری

از رؤسا و احیاءکنندگان سلفی‌گری می‌توان احمد بن حنبل شیبانی صاحب کتاب حدیثی به نام المسند و مؤسس فقه حنبلی دانست. او اولین کسی بود که



هنگامی که با هجوم فلسفه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه؛ از قبیل هند، یونان و ایران به حوزه‌های اسلامی و مخلوط شدن آن با عقاید اسلامی مواجه شد به این فکر افتاد که حدیث را از این هجمه نجات دهد، لذا به تفریط شدیدی گرفتار شده و به طور کلی عقل‌گرایی و عقلانیت را انکار کرده و راه ورود آن را به احادیث بست. بنابراین اگرچه می‌خواست از برخی مشکلات رهایی یابد، ولی در عوض به مشکلاتی بسیار دشوارتر گرفتار شد که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد:

۱-۲ روش احمدبن حنبل در عقاید

تکیه اساسی احمدبن حنبل به عنوان رئیس خط «سلفی‌گری» بر سماع و شنیدن است؛ یعنی توجه کردن به ظاهر آیات و احادیث نبوی در عقاید و عدم توجه به عقل. احمدبن حنبل برای عقل در مسائل اعتقادی هیچ ارزشی قائل نبود. عقل را کاشف و حجت نمی‌دانست. او می‌گفت: «ما روایت را همان گونه که هست روایت می‌کنیم و آن را تصدیق می‌نماییم.» شخصی از احمدبن حنبل در مورد احادیثی سؤال کرد که می‌گوید: «خداوند متعال هر شب به آسمان دنیا می‌آید، دیده می‌شود و قدمش را در آتش می‌گذارد و امثال این احادیث. در جواب گفت: ما به تمام این احادیث ایمان داشته و آنها را تصدیق می‌کنیم و هیچ‌گونه تأویلی برای آنها نمی‌کنیم.» ابن تیمیه نیز که ادامه دهنده خط فکری احمدبن حنبل در سلفی‌گری بود چنین فکری داشت. شیخ محمد ابوزهره در این باره می‌گوید: «ابن تیمیه معتقد بود که مذهب سلف اثبات هر معنا و صفتی است که در قرآن برای خداوند ثابت شده است؛ مانند: فوقیت، تحتیت، استواری بر عرش، وجه، دست، محبت، بغض و نیز آنچه که در روایات به آن اشاره شده است، البته بدون هیچ‌گونه تأویل.» آنگاه می‌گوید: «قبل از ابن تیمیه حنابله نیز همین فکر و عقیده

را در قرن چهارم ه.ق نسبت به صفاتی که در قرآن و روایات راجع به خداوند آمده داشتند.» آنها مدعی بودند که مذهب سلف همین بوده است؛ در حالی که علماء عصر آنان به مخالفت برآمده و معتقد بودند که این گونه اعتقاد منجر به تشبیه و جسمیت خداوند متعال می‌شود.

۲-۲ جایگاه عقل نزد سلفیون

با مراجعه به نظرات سلفیون از قبیل احمد بن حنبل ابن تیمیه و دیگران پی می‌بریم که آنان هیچ ارزشی برای عقل قائل نبودند. (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۶)

ابن تیمیه می‌گوید: «کسانی که ادعای تمجیت از عقل دارند در حقیقت ادعای تمجیت از بتی دارند که آن را عقل نامیده‌اند. هرگز عقل به تنهایی در هدایت و ارشاد کافی نیست و گرنه خداوند رسولان را نمی‌فرستاد.»

۲-۳ آثار سوء منبع تدوین حدیث

مستبصر معاصر استاد شیخ معتصم سیداحمد می‌گوید: «کسی که در کتاب‌های حنابله نظر کند به یکسری عقاید که با یک دیگر متناقض بوده یا مخالف با عقل و فطرت انسان است، پی می‌برد.» سید رشید رضا می‌گوید: «تقلید آنان را به جایی کشانده که به ظواهر هر چه اخبار موقوفه، مرفوعه و مصنوعه رسیده اعتقاد پیدا می‌کنند.»

کاتب سودانی معتصم می‌گوید: «اگر بنا است تا این حد انسان نسبت به احادیث منفعل باشد باید عقاید اسلامی را اسیر هزاران حدیث جعلی و اسرائیلیاتی دانست که یهود آنها را در عقاید اسلامی وارد کرده است.» (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۸)

۳. عامل تاریخی پیدایش خط سلفی‌گری

شهرستانی می‌گوید: «سلف از اصحاب حدیث وقتی مشاهده کردند که چگونه معتزله در مسائل کلامی فرو رفته و با دخالت عقل در مسائل اعتقادی با سنتی که از سلف رسیده مخالفت می‌کنند، لذا متحیر شدند که با آیات متشابه و اخبار پیامبر امین (ص) چه کنند. احمد بن حنبل و داوود بن علی اصفهانی و جماعتی از ائمه سلف بر آن شدند که در مسائل اعتقادی به روش پیشین اصحاب حدیث؛ مانند: مالک بن انس و مقاتل بن سلیمان عمل کنند. آنان گفتند: ما به آنچه که در قرآن و سنت وارد شده ایمان می‌آوریم، بدون آنکه معترض تأویل شویم.» شیخ عبدالعزیز عزالدین سیروان نیز می‌گوید: «گویا عامل اساسی برای این تمسک شدید که از احمد بن حنبل مشاهده می‌کنیم، آن است که او در عصر خود فتنه‌ها و خصومت‌ها و مجادله‌های کلامی را مشاهده نموده و از طرفی نیز افکار غریب و عقاید گوناگون و تمدن‌ها را ملاحظه کرد که چگونه در حوزه‌های علمی اسلامی وارد شده است، لذا برای نجات اعتقادات اسلامی به سلفی‌گری شدید روی آورد.»

۴. برخی از افکار و اعتقادات سلفیان وهابی

- افکار سلفیان وهابی در چند نقطه خلاصه می‌شود که عبارتند از:
- ۱- اعتقاد به جسمانیت خداوند و تشبیه او به خلق؛
 - ۲- بی‌احترامی و دشمنی نسبت به اهل بیت پیامبر (ص)؛
 - ۳- نسبت دادن شرک و کفر و بدعت‌گذاری به مخالفین خود؛
 - ۴- دشمنی با فرقه‌های دیگر اسلامی و مخالفت با تقریب بین مذاهب و ادیان؛
 - ۵- مخالفت با تصوف اسلامی و مظاهر آن از قبیل مجالس ذکر دست جمعی و مخالفت با زیارت قبور اولیاء؛



- ۶- بی‌اعتنایی به مفسران و کتاب‌های تفسیری و مخالفت شدید با تأویل و مجاز که از اصول فهم لغت عربی و اسلوب آن به حساب می‌آید؛
- ۷- تمایل به استدلال به حدیث و دوری و تنفر از استدلال به قرآن؛
- ۸- بازی کردن با حدیث نبوی و تناقض‌گویی در حکم بر آن، آنگونه که از البانی رسیده است به این نحو که تصحیح و تضعیف حدیث را مطابق اقتضای مذهب خود انجام می‌دهند؛
- ۹- مخالفت با عقل و عقلانیت و گفتگو؛
- ۱۰- عدم اعتراف به اجماع مگر در مسائلی که موافق با مراد آنان است.
- (رضوانی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲)

۵. زندگانی پایه‌گذار مسلک وهابیت

مسلک وهابی منسوب به شیخ محمد فرزند عبدالوهاب نجدی است که این نسبت از نام پدر او عبدالوهاب گرفته شده است و به گفته برخی از دانشمندان علت اینکه این مسلک را به نام خود شیخ محمد نسبت نداده‌اند؛ یعنی محمدیه نگفته‌اند، این است که مبدا پیروان این مذهب نوعی شرکت با نام پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا بکنند و از این نسبت سوءاستفاده نمایند. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۴) شیخ محمد در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در شهر عینیه از شهرهای نجد تولد یافت. پدرش در آن شهر قاضی بود. شیخ از کودکی به مطالعه کتب، تفسیر، حدیث و عقاید سخت علاقه داشت و قفه حنبلی را نزد پدر خود که علماء حنبلی بود آموخت. وی از آغاز جوانی بسیاری از اعمال مذهبی مردم نجد را زشت می‌شمرد. در سفری که به زیارت خانه خدا رفت، بعد از انجام مناسک به مدینه رهسپار شد. در آنجا توسط مردم را به پیامبر در نزد قبر آن حضرت انکار کرد. سپس به

نجد مراجعت نمود و از آنجا به بصره رفت به این قصد که از بصره به شام رود مدتی در بصره ماند و با بسیاری از اعمال مردم به مخالفت پرداخت، ولی مردم بصره وی را از شهر خود بیرون راندند. در راه میان بصره و شهر زبیر چون او را در لباس روحانیت دید در نجاتش کوشید، جرعه‌ای آب به او نوشانید و بر مرکبی سوار کرد و به شهر زبیر برد. وی می‌خواست از زبیر به شام سفر کند، ولی چون توشه و خرج سفر به قدر کافی نداشت، مقصد را عوض کرد و رهسپار شهر احساس شد و از آنجا آهنگ شهر حریمله از شهرهای نجد را نمود. در این هنگام که سال ۱۱۳۹ بود، پدرش عبدالوهاب از عینبه به حریمله انتقال یافته بود. شیخ محمد ملازم پدر شد و کتاب‌هایی را نزد او فرا گرفت و به انکار عقاید مردم نجد پرداخت. به این مناسبت میان او و پدرش نزاع و جدال در گرفت. همچنین بین او و مردم نجد منازعات سختی رخ داد و این امر چند سال دوام یافت تا اینکه در سال ۱۱۵۳ پدرش شیخ عبدالوهاب از دنیا رفت. (سیحانی، ۱۳۸۶: ۲۵) شیخ محمد پس از مرگ پدر به اظهار عقاید خود و انکار قسمتی از اعمال مذهبی مردم پرداخت. جمعی از مردم حریمله از او پیروی کردند و کار وی شهرت یافت. وی از شهر حریمله به شهر عینبه رفت. رئیس عینبه در آن وقت عثمان بن حمد بود، عثمان شیخ را پذیرفت و او را گرامی داشت و در نظر گرفت وی را یاری کند. شیخ محمد نیز در مقابل اظهار امیدواری کرد که همه اهل نجد از عثمان بن حمد اطاعت کنند. خبر دعوت شیخ محمد و کارهای او به امیر احساس رسید. وی نامه‌ای برای عثمان نوشت که نتیجه‌اش این شد که عثمان شیخ را نزد خود خواند. عذر او را خواست. شیخ محمد به او پاسخ داد که اگر مرا یاری کنی تمام نجد را مالک می‌شوی، اما عثمان از او اعراض کرد و او را از شهر عینبه بیرون راند. شیخ محمد

در سال ۱۱۶۰ پس از آنکه از عینہ بیرون رانده شد، رهسپار درعیہ از شهرهای معروف نجد گردید. در آن وقت امیر درعیہ محمد بن مسعود جد آل سعود بود. وی به دیدن شیخ رفت و عزت و نیکی را به او مژده داد. شیخ نیز قدرت و غلبه بر همه بلاد نجد را به وی بشارت داد و بدین ترتیب ارتباط میان شیخ محمد آل سعود آغاز گردید. در آن وقت که شیخ محمد به درعیہ آمد و با محمد بن سعود توافق کرد. مردم آنجا در نهایت تنگدستی و احتیاج بودند. آلوسی از قول ابن بشر نجدی نقل می‌کند که من ابن بشر در اول کار شاهد تنگدستی مردم درعیہ بودم سپس آن شهر را در زمان سعود شاهد کردم؛ در حالی که مردم آن از ثروت فراوان برخوردار بودند و سلاح‌های ایشان با زر و سیم زینت یافته بود، بر اسبان اصیل و نجیب سوار می‌شدند و جامه‌های فاخر در بر می‌کردند و از تمام لوازم ثروت بهره‌مند بودند به حدی که زبان از شرح و بیان آن قاصر است، البته ابن بشر شرح نداده است که این ثروت هنگامت از کجا پیدا شده بود، ولی از سیاق تاریخ معلوم می‌شود که از حمله به مسلمانان قبائل و شهرهای دیگر نجد به جرم موافقت نکردن با عقاید وی به غنیمت گرفتن و غارت کردن اموال آنان به دست آمده بوده است و روش شیخ محمد در مورد غنائم جنگی که از مسلمانان آن دیار می‌گرفت این بود که آن را هر طور مایل بود به مصرف می‌رسانید. گاهی تمام غنائمی را که در جنگی نصیب او شده بود و مقدار آن هم خیلی زیاد بود، تنها به دو یا سه نفر عطا می‌کرد و غنائم هرچه بود در اختیار شیخ قرار داشت و امیر نجد هم با اجازه او می‌توانست، سهمی ببرد و یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف برنامه زندگی شیخ همین است که با مسلمانانی که از عقاید کذائی او پیروی نمی‌کردند، معامله کافر حربی می‌کرد و برای جان و ناموس آنان ارزشی

قائل نبود و کوتاه سخن اینکه محمد بن عبدالوهاب به توحید اما توحید غلطی که او می‌گفت دعوت می‌کرد. هر کس می‌پذیرفت خون و مالش سالم می‌ماند و گرنه خون مالش مانند کفار حربی حلال و مباح بود. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۸) جنگ‌های که وهابیان در نجد و خارج از نجد از قبیل یمن و حجاز و اطراف سوریه و عراق می‌کردند، بر همین پایه قرار داشت. هر شهری که با جنگ و غلبه بر آن دست می‌یافتند، بر ایشان حلال بود. اگر می‌توانستند آن را جزء متصرفات و املاک خود قرار می‌دادند. والا به غنائمی که به دست آورده بودند، اکتفاء می‌کردند. کسانی که با عقاید او موافقت می‌کردند و دعوت او را می‌پذیرفتند، باید با او بیعت می‌کردند و اگر کسانی به مقابله برمی‌خیزیدند، باید کشته می‌شدند و اموالشان تقسیم می‌گردید. طبق این رویه مثلاً از اهالی یک قریه به نام فصول در شهر احسا سیصد مرد را به قتل رسانیدند و اموالشان را به غارت بردند.

شیخ محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ درگذشت و پس از شیخ محمد هم پیروان او به همین روش ادامه دادند. مثلاً در سال ۱۲۰۶ امیر سعود وهابی سپاهی مرکب از بیست هزار مرد جنگی تجهیز کرد و به شهر کربلا حمله‌ور شد، کربلا در این ایام در نهایت شهرت و عظمت بود و زائرین ایرانی، ترک و عرب بدان روی می‌آوردند. سعود پس از محاصره شهر سرانجام وارد آن گردید و کشتار سختی از مدافعین و ساکنین آن نمود. سپاه وهابی آنچنان رسوایی در شهر کربلا به بار آورد که به وصف نمی‌گنجد. پنج هزار تن یا بیشتر تا بیست هزار هم نوشته‌اند که به قتل رسانیدند. پس از آنکه امیر سعود از کارهای جنگی فراغت یافت به طرف خزینه‌های حرم امام حسین علیه السلام متوجه شد، این خزائن از اموال فراوان و اشیاء نفیس انباشته بود. وی هر چه در آنجا یافت برداشت و

به غارت برد. کربلا پس از این حادثه به وضعی درآمد که شعرا برای آن مرثیه می‌گفتند. وهابیان در مدت متجاوز از دوازده سال گاه و ناگاه به شهر کربلا و اطراف آن و همین طور به شهر نجف حمله می‌بردند و غارت می‌کردند که نخستین این حملات هجوم در سال ۱۲۱۶ بود که شرح داده شد و این هجوم به نوشته عموم نویسندگان شیعه در روز عید غدیر آن سال سرانجام گرفته است. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۹) مرحوم علامه سید محمد جواد عاملی در آخر مجلد هفتم از کتاب فقهی پراج خود مفتاح الکرامه چنین می‌گوید: «این جزء از کتاب بعد از نیمه شب نهم رمضان المبارک ۱۲۲۵ به دست مصنف آن خاتمه یافت. در حالی که دل در نگرانی و تشویق بود، زیرا اعراب عنیزه که وهابی هستند، اطراف نجف اشرف و مشهد حسین علیه السلام را احاطه کرده‌اند، راه‌ها را بسته و زوار حسین علیه‌السلام را که از زیارت نیمه شعبان به وطن‌های خود باز می‌گشتند، غارت نموده‌اند و جمع کثیری از آنان و بیشتر از زوار ایرانی را به قتل رسانیده‌اند. گفته می‌شود عدد مقتولین در این بار یکصد و پنجاه تن بوده است، البته کمتر از این هم گفته‌اند. توحیدی که شیخ محمد و پیروان او مردم را به آن دعوت می‌کردند که هرکس نمی‌پذیرفت جان و مالش مباح می‌شد. این بود که به پیروی از ظاهر پاره‌ای از آیات و احادیث برای ذات باری تعالی اثبات جهت می‌کردند و او را دارای اعضاء و جوارح می‌دانستند.» آلوسی در این باره گفته است که وهابیان به پیروی از ابن تیمیه به احادیثی که فرود آمدن خداوند به آسمان دنیا آسمان اول دلالت می‌کند، تصدیق دارند و می‌گویند خدا از عرش به آسمان دنیا فرود می‌آید و می‌گوید هل من مستغفر یعنی آیا استغفار کننده‌ای هست که از گناهانش طلب آمرزش کند. عقاید و گفته‌های باطل وهابیان باعث شده که برخی که اسلام

را از دیدگاه آنان مطالعه کرده‌اند، بگویند اسلام دین خشک و جامدی است که به درد همه زمان‌ها نمی‌خورد. لوتروپ ستودارد می‌گوید: «وهابیان در تعصب به راه افراط رفته‌اند و در اثر این عمور گروهی نکته‌گیر برخاسته روش وهابی را بر دهان قرار داده‌اند که حقیقت و طبیعت اسلام با مقتضیات زمان‌ها جور نیست و با احوال ترقی و تبدیل جامعه موافق نمی‌شود و با تغییر زمان نمی‌سازد. از همان وقت که شیخ محمد بن عبدالوهاب عقاید خود را ابراز و مردم را به پذیرفتن آنها دعوت کرد، گروه زیادی از علماء بزرگ به مخالفت برخاست. پدرش عبدالوهاب و سپس برادرش شیخ سلیمان بن عبدالوهاب بودند که هر دو از علماء حنبلی محسوب می‌شوند. شیخ سلیمان کتابی تحت عنوان «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» تألیف کرد و در آن عقاید برادرش را رد کرد.» زینی دحلان می‌گوید: پدرش شیخ محمد مردی صالح از اهل علم بود. برادرش شیخ سلیمان نیز از اهل علم محسوب می‌شد و چون شیخ عبدالوهاب و شیخ سلیمان در ابتدای امر یعنی از زمانی که شیخ محمد در مدینه به تحصیل اشتغال داشت از سخنان و کارهای او دریافته بودند که چنان داعیه‌ای دارد او را سرزنش می‌کردند و مردم را از وی بر حذر می‌داشتند.

عباس محمود عقاد می‌گوید: «بزرگ‌ترین مخالفان شیخ سلیمان صاحب کتاب الصواعق الالهیه است. عقاد همچنین گفته است که شیخ سلیمان برادر شیخ محمد که از بزرگ‌ترین مخالفان او بود در ضمن اینکه سخنان برادرش را به شدت رد می‌کند. می‌گوید: اموری که وهابیان آن را موجب شرک و کفر می‌دانند و آن را به بهانه مباح شدن مال و جان مسلمانان می‌پندارند در زمان ائمه اسلام به وجود آمده بود، ولی از هیچ یک از ائمه اسلام شنیده و روایت نشده است

که مرتکبین این اعمال را کافر یا مرتد دانسته و دستور جهاد با آنان را داده باشند و یا اینکه بلاد مسلمانان به همان گونه که شما می‌گویید، بلاد شرک و دارالکفر نامیده باشند.» (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۳) ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم معروف به ابن تیمیه از علماء حنبلی که در ۷۲۸ هجری قمری درگذشته است، چون عقاید و آرائی برخلاف معتقدات عموم فرقه‌های اسلامی اظهار می‌داشت، پیوسته مورد مخالفت علماء دیگر قرار داشت و به عقیده محققین همین عقاید ابن تیمیه است که بعداً اساس معتقدات وهابیان را تشکیل داده است. غائله ابن تیمیه با مرگ او در سال ۷۲۸ در زندان شام فروکش کرد و شاگرد معروف او ابن القیم هر چند به ترویج افکار و آراء نبود، ولی آنگاه که فرزند عبدالوهاب تحت تأثیر افکار ابن تیمیه قرار گرفت و آل سعود برای تحکیم پایه‌های امارت خود در منطقه نجد به حمایت از او برخاستند. بار دیگر عقاید موروثی از ابن تیمیه در مغز برخی از مردم نجد جوانه زد و به دنبال تعصب‌های خشک و متأسفانه به نام توحید سیل خون تحت عنوان جهاد با کافران و مشرکان به راه افتاد و هزاران هزار از مرد و زن و کودک قربانی آن شدند و بار دیگر فرقه جدیدی در جامعه مسلمین پدید آمد و تأسف از روزی افزایش یافت که حرمین شریفین در قبضه این گروه درآمد و نجدی‌های وهابی بر اثر سازش با بریتانیا و دیگر ابر قدرت‌های وقت بر اساس متلاشی شدن امپراطوری عثمانی و تقسیم کشورهای عربی میان ابر قدرت‌ها بر مکه و مدینه و آثار اسلامی دست یافتند و در هدم آثار اصالت‌ها و ویران‌گری قباب و قبور و بیوت الهی پیش از حد کوشش کردند. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۳)

۶. نظر آلکسی واسیلیف در مورد وهابیون، وهابیون کیستند؟

آلکسی واسیلیف در مورد وهابیون می‌گوید: «بیش از ۳۰ سال پیش من یکی از اولین محققان روسی و خارجی بودم که در سطح علمی به مسئله وهابیت پرداختم. عنوان رساله فوق لیسانس من (وهابیت) اولین دولت سعودی در عربستان بود. وهابیت اواسط قرن هجدهم در منطقه مرکزی عربستان در استان نجد به وجود آمد. وقتی که مهران عبدالوهاب مؤسس این جنبش مذهبی با (ابن سعود) یکی از حاکمان کوچک عربستانی ائتلاف تشکیل داد. مبارزه آنها در راه ایسار دولت واحد شروع شد. این دولت به وجود آمد و تحت فشار دستان از بین می‌رفت، ولی مجدداً احیا می‌شد. بالاخره مبارزه طولانی در راه تعیین سرنوشت خود به موفقیت رسید و در قرن بیستم پادشاهی عربستان در بخش اعظم شبه جزیره عربستان ایجاد شد. آلکسی واسیلیف در مورد ماهیت وهابیت می‌گوید، وهابیت به معنای احیای نسبتاً دقیق مذهب حنبلی است. حنبلیون به تند رویدن مکتب تعلق دارند که غیر از قرآن و سنت نبوی چیزی را قبول ندارند. (واسیلیف، ۱۳۷۸: ۱۹۷)

۷. عربستان و وهابیت

به دنبال فتح ریاض توسط محمد عبدالعزیز در ۱۵ ژانویه ۱۹۰۲ و تداوم مبارزه کسب قدرت که تا ۱۹۳۲ برای فتح کامل سرزمین عربستان ادامه یافت، یک رژیم سیاسی مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای و با تکیه بر اصول وهابیت در سرزمین حجاز استقرار یافت. رژیم سیاسی عربستان که به گفته بهجت کواتر متخصص جهان عرب، در چارچوب نظام‌های استبدادی، قبیله‌ای و سلسله‌ای طبقه‌بندی می‌شود، همواره خالی از مقوله مشارکت شهروندان در قدرت سیاسی

بوده است. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۲) نظام حقوقی عربستان سعودی اصالتاً مبتنی بر اصول مذهب حنبلی است، با عقاید و هابیت ترکیب شده و بافت جدیدی را ایجاد کرده است. این بافت جدید به نحو اعجاب‌آمیزی، ضمن حفظ اصول نهادی اعتقادات اسلامی، با بافت نظام قبیله‌ای عربستان و نظام پادشاهی همخوانی یافته است. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۳) در ارتباط با ساختار قبیله‌ای دولت در عربستان بهجت کورانی نظام سعودی‌ها مشابه نظام دولت - شهرهای قدیم می‌داند. او است که نظام مذکور فاصله‌ای طولانی با ساختار دولت - ملت مدرن دارد. کورانی مدعی است که یک حالت پدرسالاری جدید به نحوی که پادشاه پدر همه قبایل تلقی می‌شود بر نظام سیاسی عربستان حاکم است. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۴) اگر همه عربستان سعی در حفظ ساختار سنتی و قبیله‌ای خود نمود، اما عواملی وجود اصلاحات را ضروری ساخت که عبارتند از:

- عوامل درونی اقتصادی و کاهش نرخ رفاه عمومی: با این توضیح که موج افزایش قیمت نفت و افزایش ثروت دولت عربستان در اوایل دهه هفتاد میلادی باعث تغییرات اساسی در نظام اقتصادی و وضعیت اجتماعی شهروندان عربستان شد. تغییر سریع جامعه عربستان که یک جامعه مصرفی کالاهای وارداتی از غرب و خوگرفتن شهروندان عربستان یک زندگی تجملی که با افزایش نرخ رشد جمعیت همراه بود، به تدریج شرایط ویژه‌ای را برای جامعه عربستان ایجاد کرد. علاوه بر افزایش بدهی‌های داخلی عربستان رشد فزاینده نرخ جمعیت جوانی در عربستان نیز از جمله بحران‌های محسوس است. طی سه دهه گذشته جمعیت عربستان سه برابر شده است. ۷ درصد از جمعیت فعلی عربستان زیر ۲۱ سال دارند که اکثریت آنها نیز امکان بهره‌مندی از ثروت و رفاه خانواده سلطنتی را

ندارند. بیکاری به بالای ۳۰ درصد رسیده است. بحران‌های سیاسی مذکور بازتاب تدریجی بر میزان وفاداری سیاسی شهروندان نسبت به دولت و خانواده سلطنتی خواهد داشت.

- رشد طبقه متوسط: ظهور طبقه جدید متوسط به عنوان محصول فرآیند درازمدت مدنی‌زده شدن جامعه سعودی و گسترش زندگی شهرنشینی، دولت‌ها برای مقابله با این طبقه نوظهور دچار مشکل کرده است و نمی‌تواند میل این طبقه به تغییر را در هنجارهای سنتی نادیده بگیرد.

تعارض محسوس مدرنیته و سنت‌گرایی خود را از چند زاویه آشکار ساخته است. تقاضای مشترک بیشتر در فعالیتهای اجتماعی از سوی زنان بالا رفتن سن ازدواج مردان و زنان از ضرورت تغییرات قطعی در الگوی سنتی جامعه حکایت می‌کند. در سال ۲۰۰۲ در جریان یک اقدام هماهنگ ۴۵ نفر از زنان عربستان در خیابان‌های اصلی ریاض در حالی که انفرادی رانندگی می‌کردند در شهر کاروان راه انداختند، که در اخبار جهان موضوع انعکاس یافت. نظر این گروه از زنان شکستن تابوی رانندگی و حرمت آن برای زنان بود. استدلال زنان بسیار ساده بود. چرا یک زن مسلمان می‌تواند در یک خودرو به عنوان مسافر با یک مرد نامحرم (راننده) مسیری راه، حتی در خارج از عربستان که راننده مسلمان نیست، تنها طی کند، ولی رانندگی خود زن ایراد دارد. با این زنان به علت تلاش برای بدعت‌گذاری در فرهنگ عمومی برخورد شد و جملگی از مشاغل خود برکنار شدند. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۶)

- شکسته شدن انحصار دولتی: در اطلاعات و اخبار از سال ۱۹۹۱، فرهنگ سیاسی کشور شاهد تغییرات اساسی است. امکان از شبکه ماهواره به ویژه شبکه الجزیره و

دسترسی به اینترنت باعث شده که رشد آگاهی‌های عمومی در سطوح مختلف جامعه شده است، نهادهای اطلاع‌رسانی رسمی در برابر فعالیت رقبای خارجی امکان رقابت ندارند و از اثرگذاری آنها بر افکار عمومی به شدت کاسته شده است.

- ظهور عقاید متنوع مذهبی متفاوت با تغییر رسمی مذهب: به دلیل این که در گذشته تشکیلات متنوع جامعه مدنی مانند احزاب و تشکیلات آزاد سیاسی در این سرزمین شکل نگرفته است. جامعه در حال تغییر عربستان، می‌کوشد از دریچه مذهب و ارائه تفاسیر جدید از آن و اقتباس از نظریات روشنفکران مسلمان از تاریخ معاصر عرب، تعارض فکری خود را حل کند. گروهی از مردم می‌کوشند، با توسل به ادیان مذهبی، تعارض سیاسی دولت با اصول واقعی مذهب را آشکار سازند. برخی اعتقاد دارند که دولت عربستان در دهه ۶۰ برای نزدیکی به مصر و جمال عبدالناصر تحت عنوان ضرورت برادری اسلامی «الاخویه الاسلامیه» و تبلیغ چنین مفهومی در ادبیات و هواییت باعث شد که اساساً مفاهیم سیاسی جای خود را در افکار و مردم متشروع عربستان باز کند. از نظر خفره الحسن، مذهب امروزه به عامل تمسخر مشروعیت حاکمیت صعودی تبدیل شده است. حکام عربستان بیش از حد از آموزه‌های مذهبی برای مشروعیت خود استفاده کرده‌اند و مردم تعارض این سیاست‌ها با آموزه‌های مذهبی را مشاهده می‌کنند. ظهور راه‌های افراطی مذهبی در عربستان در همین راستا توصیه‌پذیر است. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۷)

- ظهور جریان‌های متنوع معترض: با توجه به سیاست سرکوب مخالفان و فقدان مراجع بین‌المللی و دولت‌های خارجی حامی مخالفان ارائه گزارشی دقیق از وصیت گروه‌های تشکیلاتی مخالف امکان‌پذیر نیست، ولی قدر مسلم سه طیف طرفدار اصلاحات قابل تغییر می‌باشند.



۱- روشنفکران آزادی‌خواه که اغلب دانش‌آموختگان دانشگاه‌های آمریکا و اروپا هستند.

۲- اسلام‌گرایان که اعتقاد دارند باید تفاسیر جدید از مذهب سنتی ارائه شود.

۳- شیعیان که به نحو مسالمت‌آمیزی خواهان استیفای حقوق شهروندان خود هستند. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۷)

۸. عوامل خارجی

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در محاق رفتن خطر گسترش کمونیسم در منطقه خلیج فارس و تجربیات تلخی که ایالات متحده آمریکا از دفاع بی‌چون و چرای رژیم‌های استبدادی ایران (رژیم شاه) عراق (حزب بعث) کسب کرد، رویکرد دنیای غرب به ویژه، ایالات متحده آمریکا در قبال رژیم‌های عربی جنوب خلیج فارس تغییر کرد. از ابتدای دهه ۹۰ آمریکا در نقش مثبتی برای تشویق اصلاحات سیاسی در مجموعه کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به ویژه عربستان اتخاذ کرد. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۴۸) بر اساس گزارش کمیسیون بین‌المللی آزادی مذاهب، عربستان سعودی ناقض‌ترین کشوری است که اصل احترام به مذهب را زیر پا گذاشته است.

در کنفرانس خبری که امیر عبدالله و بوش در ۲۵ آوریل ۲۰۰۵ داشتند. جرج بوش برگزاری انتخابات در عربستان را مورد تقدیر قرار داد و اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا خواستار مشارکت بیشتر مردم در امور سیاسی، البته در چارچوب برنامه اصلاحات مورد نظر دولت عربستان است. از سوی دیگر گروه مطالعه بحران‌های بین‌المللی در گزارش شماره ۲۸ مرتبط با خاورمیانه توصیه‌های زیر را به دولت عربستان می‌کند: ۱. تدوین و چاپ یک دستورالعمل رسمی شامل اجرای

انتخابات ۲. تدوین مقررات و لوایح مرتبط با حقوق بشر ۳. تشویق برگزاری انتخابات محلی ۴. تشویق گفتگو میان مجموعه فرق مذهبی از جمله شیعیان و اصول سنت ۵. افزایش اختیارات شورا ۶. تدوین یک سازوکار شفاف مالی برای بودجه کشور و هزینه‌ها/ خانواده‌ای سلطنتی از بودجه عمومی ۷. جلوگیری از فساد و سوءاستفاده مالی توسط خانواده سلطنتی ۸. افزایش شایسته‌سالاری با کنار نهادن تدریجی اعضای خانواده سلطنتی از مقامات ۹. ایجاد تعادل میان آموزش‌های مذهبی و آموزش‌های حرفه‌ای. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۵۰)

۹. موانع و عوامل کندی روند اصلاحات و نقشی عقاید و هابیت در روند

کندی اصلاحات

حفره الحسن در سخنرانی خود در مجلس اعیان انگلستان چهار عامل را مانع اصلی و باعث کندی اصلاحات در نظام سیاسی عربستان سعودی یاد می‌کند:

۱. بافت مسن و قدیمی خانواده سلطنتی که بخش اعظم حکام دارای متوسط سن ۸۰ سال هستند و نسل محافظه‌کار مذکور در مصدر مراکز اصلی تصمیم‌گیری قرار دارد و با تغییرات مقابله می‌کند.
۲. نهادهای مذهبی در سیاستگذاری مؤثر می‌باشند. به طور طبیعی مخالف تغییرات وسیع است. اصلاحات حالت تفوق و یک صدایی عقاید و هابیت را ضعیف می‌کند و ظهور تکثرگرایی را به دنبال دارد.
۳. فرهنگ سیاسی جامعه عربستان سعودی دچار فقر اساسی است و علت آن را باید در حاکمیت و نظارت بلامنازع دولت به تمامی عرصه‌ها تا سال ۱۹۸۹ دانست.
۴. حمایت خارجی از نظام دیکتاتوری عربستان سعودی به ویژه ایالات متحده از حکام در گذشته، مانع مهمی برای توسعه سیاسی کشورها بوده است.

آمریکایی‌ها در گذشته گمان می‌کردند که اصلاحات در عربستان سعودی باعث تغییر الگوی روابط با آمریکا می‌شود و در نتیجه از اصلاحات چندان استقبال نمی‌کردند. هریک از متغیرهای مذکور تأثیر خاصی در کندی روند اصلاحات بر جای می‌گذارند. با توجه به وصیت امیر عبدالعزیز مبنی بر جایگزینی پادشاه جدید از میان فرزندان بلافصل خود، در شرایط فعلی پادشاه عربستان همواره با مسئله کهولت سن روبه‌رو بوده است. هریک از اعضای خانواده سلطنتی در رأس یک وزارتخانه یا سازمان قرار گرفته است که با جناح دیگر در تعامل و یا تقابل قرار دارد و تقابل جناح مذکور خود را در جناح‌بندی‌های سیاسی جلوه‌گر می‌سازد. دسته‌بندی نسبیت و ژنتیکی نیز از جمله علل جناح‌بندی در خانواده سلطنتی است. امیر عبدالعزیز، بنیان‌گذار پادشاهی با ۲۳۵ زن ازدواج کرد تا پایه‌های اتحاد را در میان قبایل عربستان تقویت کند. از او ظاهراً ۴۵ پسر و ۵۰ دختر بر جای مانده است. همه این اولاد بر پایه نسبت مادرشان با شیخ بزرگ و یا به عبارت اصل بیت‌الشیخ که همان عبدالوهاب بود، طبقه‌بندی می‌شوند. مایک اسکات دوران مقررات که ملک عبدالله در جریان اصلاح طلب و لیبرال مسلک قرار دارد در حالی که امیر نایف به عقاید علماء افراطی و هابی وابستگی دارد و به شدت با هرگونه اصلاحات غربی مخالف است. (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۵۲)

علاوه بر این همانطور که حمزه الحسن اشاره می‌کند در بافت مذهب و هابیت و سلفی‌گری نوعی نگرش افراطی برای مقابله با تغییرات و میل به تکفیر حکام به اتهام بدعت‌گذاران در دین و انحراف از دیانت وجود دارد که به شدت حاکمان را از نوآوری باز می‌دارد.

پژوهشگران متعددی در عربستان سعی کرده‌اند، ضمن تکیه بر نظریات متخصصان غربی چارچوب خاصی از مفاهیم اصلاحات سیاسی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی ارائه دهند که با روند تدریجی اصلاحات در این کشور سازگاری یابد. از جمله زمینه‌هایی که دولت عربستان سعی نموده است در آن تغییرات و اصلاحاتی ایجاد کند عبارتند از: ۱. تدوین قانون اساسی ۲. تقویت نظام مشاوره ۳. تقویت نظام عدم تمرکز ۴. افزایش محدود آزادی مطبوعات ۵. تصویب منشور اصلاح مقام و منزلت عرب ۶. اصلاحات در نظام قضایی ۷. حقوق بشر ۸. حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی ۹. افزایش تقاضای اصلاح طلبی در جامعه عربستان سعودی (بزرگمهری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵: ۶۰)

پس از آشنایی مختصر با مذهب وهابیت و بنیانگذار آن و چگونگی ورود آیین وهابیت به عربستان و ذکر این نکته که در سال‌های اخیر عربستان به ضرورت بازنگری در قوانین کشور در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پی برده است به یکی از زمینه‌های مهم که نیازمند بازنگری است، یعنی حقوق و جایگاه زنان در عربستان و بررسی نقش عقاید وهابیت بر حقوق زنان پرداخته می‌شود. در این مقاله ابتدا جایگاه زنان عربستان در دوره جاهلیت و سپس جایگاه وی پس از طلوع اسلام پرداخته می‌شود و در نهایت به حقوق زنان عربستان مطابق با قوانین داخلی و بین‌المللی اسناد حقوق بشر پرداخته می‌شود.

۱۰. جایگاه زن عرب در عربستان قبل از اسلام

عربستان دارای نظام‌های خاص اجتماعی در دوران مختلف بوده است که به اختصار به آن اشاره خواهیم کرد.

۱-۱۰ دوران نظام مادرتباری

برخی از محققین معتقدند که با نظام مدارسالاری در میان اقوام شبه جزیره عربی در مراحل ما قبل تاریخ روبه‌رو هستیم. روبرت سن در کتاب خود به این امر اشاره کرده است و مدارسالاری را یکی از مراحل جوامع در عربستان دانسته است. اگرچه اطلاعات چندی از آن دوران در دست نمی‌باشد، اما در بررسی جامعه عربی می‌توانیم شاخصه‌های ماندگار نظام مدارسالار را خلاف دوره طولانی نظام پدرسالار مشاهده کنیم. کلماتی مانند رحم دلالت بر قربت و نزدیکی به واسطه نسب دارد. (امیری، ۱۳۸۷: ۴۰) و در مردم شبه جزیره بسیار بوده است یا کلمه بطن که اشاره بر این دارد که زن در این دوران محور و مصدر عائله بوده است. اقوام شیعه جزیره عرب برای زن حقی در تسمیه فرزندان و انتساب آنها به خود را برای مدت طولانی حفظ کردند. پس از مدت زمانی نامشخص این حق به پدر منتقل شده و خانواده از مدارسالار به پدرسالار تغییر یافت. (امیری، ۱۳۸۷: ۴۱)

آن چه بدان اشاره شد گویان آن است که شبه جزیره عربستان هم مانند همسایه‌اش ایران، در دوران ماقبل تاریخ خود شاهد نظام از نوع مدارسالاری بوده است. زمانی که دوران شبه زراعی و کشاورزی را سپری می‌کرد و بالطبع مردان در این عصر ضعیف می‌شدند، اما در دوران بعد جوانان متعصبین بر نظام رایج قیام کردند و این تغییر در ساختار اجتماعی به دلیل ازدیاد جمعیت و شروع کشاورزی می‌دانند. احتیاج جوامع به محصولات زراعی و نیاز زور و بازوی مردان در شخم زدن زمین‌ها این مهم را به وجود

آورد. از این رو جامعه عربستان با یک ساختار کاملاً پدرسالارانه نمودار شد. به طوری که پدر به عنوان سلطان مطلق العنان بر تمامی افراد خانواده‌اش به حساب آمد و حق داشت فرزندش را رهن یا اجاره دهد. (امیری، ۱۳۸۷: ۴۲)

زن در جاهلیت جزء کالاهای یک خانه به حساب می‌آمد، زن در این محیط به معنی (قینه) و (جاریه) است. (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۱) اما زنانی هم بودند که منزلتی رفیع در میان مردم داشتند؛ چراکه در امر تربیت اولاد با مرد مشارکت داشته و در هنگام خروج برای جنگ شعرها و غزل‌های او ترغیب کننده و برانگیزاننده مرد در نبرد بود. تولید مثل، تربیت اطفال و شیردادن به او، پارچه بافی، اداره خیمه، آماده کردن غذا، دوشیدن شیر گوسفندان و... از جمله مسئولیت‌های زنان بود که به این افراد زنان آزاد گفته می‌شد و کنیزکان در خدمت این زنان بودند که به آنها کمک می‌کردند. در زمان صلح و امنیت هم، زن یا کشاورزی می‌کرد و وقت خود را در کمک به شوهر می‌گذراند یا آشپزی می‌کرد و در زمان جنگ برای برانگیختن غرور و غیرت شوهر خود در یورش‌ها و درگیری‌ها به همراه شرکت می‌جست. شاید این مادرسالاری بتواند نقش مهمی را که زنان در جامعه قبل از اسلام و به دنبال آن در جامعه اسلامی ایفا کردند، توضیح دهد، اما واقعیت تاریخ اجتماعی عربستان به چند موضوعی که به آن اشاره شد، خلاصه نمی‌شود. روایت‌های تاریخی بسیاری که حاکی از منزلت فرتور زن در جاهلیت است ما را با این حقیقت روبه‌رو می‌کند که موارد بالا در سطح بسیار محدود و جزئی اجرا می‌شد. فضای حاکم بر آن محیط در عصر جاهلیت این بود که زن نوعی کالا محسوب شود. (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۱) این حقیقت تلخ را از انواع ازدواج‌های دوره جاهلیت می‌توان کسب کرد.

با گذشت دوران مادرسالاری نوع دیگری از نظام خانواده حاکم شد که خصیصه پدرسالارانه قوی دانست این نوع سیادت که با سلطه کامل مرد بر اعضای خانواده همراه بود، تمامی اعضای خانواده اعم از همسر و فرزندان را به مثابه ثروت خانوادگی خود می‌دانست، ثروتی که در تصرف شخصی او هستند. جایگاه مادر و زن در انتقال به وجوه پدرسالارانه از اوج به پائین کشیده شد و زن موقعیت قبلی خود را از دست داد و تعدد زوجات مرسوم گردید. (امیری، ۱۳۸۷: ۴۵) در جامعه عربستان که زنان از حداقل حقوق فردی و اجتماعی محروم بودند، شرایط سختی را در ازدواج تحمل می‌کردند و انواع ازدواج در این سرزمین وجود داشت که گاهی کمکی برای معیشت پدر بود، مانند ازدواج شراء، گاهی برای رفع کدورت بین دو قبیله بود، مانند ازدواج دوستی و گاهی ازدواج مبادله کالا به کالا بود که به ازدواج شغار معروف بود به این صورت که مرد بدون پرداخت مهریه و صدق زنی را به همسری خود در می‌آورد و در عوض خواهر یا دخترش را به ازدواج فرد مقابل در می‌آورد؛ یعنی دختر یا خواهر یک مرد با دختر یا خواهر مرد دیگری مبادله می‌شدند. (امیری، ۱۳۸۷: ۴۹) و انواع ازدواج‌های دیگر که نشان از تحمیل شرایط سخت بر زنان بوده است. نظام اجتماعی عرب هیچ محدودیتی را برای مرد جهت تملک زنان قائل نبود. مرد فقط بر حسب میل و رغبتش و با قدرت مال خود می‌توانست انواع زنان اعم از امه و یا کنیز یا آزاد را در اختیار گیرد و در این میان زنان امه یا کنیز از حداقل حقوق زوجات برخوردار نبودند.

۱۰-۲ طلاق در عهد جاهلیت

طلاق نیز در جزیره العرب مانند برخی از گونه‌های ازدواج با سنت‌های ظالمانه و جاهلی و گاهی غیراخلاقی آمیخته بود. طلاق دادن در زمان جاهلیت به قدری

آسان بود که اگر مرد به زن می‌گفت به خانه‌ات برگرد، تمامی تشریفات طلاق انجام شده بود و نیز می‌توانست یکصد بار رجوع کند. (زنجان، ۱۳۵۴: ۲۴) مهم‌ترین شرط برای انجام طلاق، عمل میل و اراده بود. انواع طلاق‌ها در شبه جزیره می‌توان این برشمرد:

- طلاق کنایی یا غیرصریح: در این نوع طلاق مرد با دوری از زن، منظور خود را به طور غیرمستقیم به او می‌فهماند. (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۲)

- طلاق صریح: در این نوع طلاق جملاتی از طرف مرد ادا می‌شد که بیان‌کننده اعلام جدایی او از همسر است. مانند الحقی با هلك.

- طلاق ظهار: (تو جای خواهر یا مادر منی) آیات سوره مجادله مربوط به تحریر ظهار و بیان کفاره آن است.

- طلاق ایلاء: که همراه با ادای سوگند برای عدم نزدیک شدن مرد به زن ادا می‌شود.

- طلاق ضرار: بدترین نوع جدایی مرد از همسرش بود؛ چراکه که گاه مرد برای شکنجه و آزار زن مدام او را در بین طلاق و رجوع قرار می‌داد و بدین ترتیب زن نه حق ازدواج داشت و نه همسری که وظایف شوهری خود را انجام دهد. (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴)، ولی اسلام با آن به مبارزه پرداخت و آیه ۲۳۲ سوره بقره در مذمت چنین رفتاری نازل شد. غیر از این‌ها برخی مردان زورگوی عرب برای حفظ عصمت خود و غیرت ناجایشان از ازدواج زنانی که آنها را طلاق داده بودند با دیگران ممانعت به عمل می‌آوردند. (زنجان، ۱۳۵۴: ۲۶)

۱۰-۳ مقام دختر در خانواده

از مطالبی که نقل شد می‌توان تا حدودی به جایگاه دختران در خانواده پی برد. اگرچه بعضی از قبایل و افراد از انتساب به مادران خود بیمی نداشتند. با

وجود این تعداد زیادی از اعراب جاهلی داشتن دختر را ناپسند دانسته و از آنان بیزار بودند. خداوند متعال به کرامت ایشان از دخترانشان اشاره کرده است. زنده به گور کردن دختران عرب گویای این کراهت است. (تقوی، صادقی، ۱۳۸۱: ۳۲)

۱۱. طلوع اسلام

از میان علت‌ها و عوامل دگرگونی چون جغرافیا، تکنولوژی، جمعیت و رهبری، در عربستان عوامل ایدئولوژیک و رهبری مهم‌ترین عوامل دگرگونی به شمار می‌آیند. علاوه بر این رهبری هم عاملی مهم در دگرگونی اجتماعی است. رهبران فرهمند این توانایی را دارند که پیروان فراوانی را به سوی تغییرات سوق دهند. پیامبر اسلام، بهترین رهبر دینی در میان همه رهبران دنیا به شمار می‌آیند؛ چراکه آیین حیات بخش اسلام در سرزمین طلوع کرد که جنبه‌های غیرتمدنی آن برتری دانست. اگر کور سویی از دل این ظلمت‌کده دیده می‌شود، بیشتر به واسطه تأثیر تمدن‌های اطراف بود. نفوذ تمدن‌های ایران و بابل توانسته بود برخی از سنت‌های که شبه جزیره را کمرنگ کند. شاخصه فرهنگ عربستان نادیده انگاشتن حقوق زنان در برخوردهای خشن و به دور از عاطفه است که در طول تاریخ این سرزمین با آن مواجه می‌شویم.

اسلام در این شرایط ظهور می‌کند و پیامبر (ص) با سنت‌های کهن و ریشه‌داری مواجه می‌شود که تغییر آنها بسیار سخت و به دور از دسترس است. دنیایی بی‌احساس که زن را به مثابه حیوان خانگی فرض می‌کرد. حیوانی که تنها حقوق آن رفع حداقل مطالبات طبیعی او بود تا او نیز بتواند به رفع احتیاجات و مطالبات و غرائز نفسانی مردان، جامه عمل بپوشاند. طلوع اسلام نور امیدی در دل‌های همه انسان‌ها دمید و انوار رحمت آیین نجات‌بخش آن توانست سیاهی ظلم و بدبختی

را از بهره همه مظلومان پاک کند و زن بیشترین بهره را از این انوار دریافت کرد و دگرگونی بسیار در جایگاه و همه وجوه زندگی‌اش چه از بدو خانوادگی و چه مسائل سیاسی و اجتماعی پدید آمد. (تقوی، صادقی، ۱۳۸۱: ۳۴)

۱۲. مسائل حقوقی زنان

در قسمت پیشین به ظلم مضاعفی که زنان به واسطه انواع ازدواج‌های غیراخلاقی و ناعادلانه تحمل می‌کردند، اشاره شد. در پرتو تعالیم الهی تعدد زوجات که مایه غرور مردان عرب بود منسوخ اعلام شد و حق انتخاب همسر داشتن مهریه و ارث و نفقه که پس از طلوع اسلام برای زنان عرب به رسمیت شناخته شد. (تقوی، صادقی، ۱۳۸۱: ۳۶)

۱۳. نگاهی به تصویر زن در اشعار عربستان

۱۳-۱ زن در شعر دوره جاهلیت

با نگاهی به شعر جاهلیت (اواخر قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام) مشخص می‌شود که شاعر بدوی چیزی را توصیف می‌کرد که در اطرافش می‌دید. از این رو تصویر زن در شعر جاهلیت منجر به توصیف ظاهر اوست. زیبایی نزد ایشان عبارت بود از اعتدال، قامت، چشم درشت و سیاه‌گونه سرخ، پوست سفید، باریکی کمر و گردن زیبا و بلند، نگاه شاعر جاهلی به زن نگاهی مادی و حسی است. او همان گونه که به وصف شتر یا اسب خود می‌پردازد، محبوب خود را توصیف می‌کند و در این توصیف بیشتر از اسلوب تشبیه استفاده می‌کند. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۴۶)

۱۳-۲ شروع دوره اسلامی و جایگاه زن در ادبیات عرب

با شروع دوره اسلامی تحول بزرگی در معانی و مفهوم ادبیات عرب رخ داد، قرآن کریم افق‌های جدیدی فرا روی همگان گشود و گسترش دولت اسلامی و در

نتیجه ارتباط عرب‌ها با ملت‌های دیگر باعث رشد و رونق فرهنگی و اقتصادی شد. در صدر اسلام شعر و ادبیات به خدمت دین درآمد و بیشتر شاعران آن دوره مخضرمین (شاعری که دوره جاهلی و اسلام را درک کرده باشد)، بودند که با ظهور اسلام به سه گروه تقسیم شدند: گروهی از ایشان با دیدن قرآن کریم و بلاغت آن شعر را رها کردند. گروهی دیگر با تأثیرپذیری از مفاهیم عمیق اسلامی، مفاهیم و موضوعات شعری خود را تغییر دادند و دسته سوم به همان روش سابق جاهلی شعر می‌سرودند. در دوره عباس (ه.ق. ۱۳۲) که اوج شکوفایی ادبی عرب است شعر سیاسی و حماسی ضعیف شد و موضوع‌های جدید شعری مانند: شعر فلسفی، صوفی، تعلیمی، قصصی و ... پدیدار شد و ابتذال در غزل افزایش یافت. در این دوره افزون بر توصیف جمال ظاهری زن گاه مسائلی مانند برتری خرد مرد بر زن نیز در شعر به تصویر کشیده شد. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

۱۴. حقوق زنان عربستان بر اساس اسناد بین‌المللی

اگرچه کشور عربستان به بسیاری از اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر یا اعلامیه‌هایی مانند منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (با قید شرط) پیوسته است، اما یکی از بارزترین موارد نقض حقوق بشر و تبعیض علیه افراد، محدودیت و محرومیت‌های گسترده اجتماعی علیه شهروندان به ویژه زنان است که در این کشور روی می‌دهد. زنان جامعه عربستان در معرض جدی‌ترین تبعیضات جنسی قرار دارند که این موضوع در نظام قضایی و سیاسی کشور نهادینه شده است. به عنوان نمونه زنان در عربستان برای سفر، اشتغال و ایجاد کسب و کار، ادامه تحصیل، ازدواج و انجام عمل‌های جراحی خاص نیازمند کسب اجازه قیم یا سرپرست مرد خود شامل پدر، همسر، برادر و حتی پسر خود می‌باشند.

علاوه بر این محدودیت‌ها آنها از حق رانندگی و انجام فعالیت‌های ورزشی نیز محرومند. خشونت علیه زنان به اشکال مختلف در جامعه عربستان دیده می‌شود، خشونت در خانواده، خشونت در زمینه‌های عمومی، خشونت علیه کارگران مهاجر زن و ... تخمین میزان خشونت‌های خانگی در عربستان به دلیل محدودیت در گزارش این موارد و فقدان داده‌ها مشکل است و تنها مواردی را شامل می‌شود که شکایت‌هایی در این رابطه به مؤسسات حقوق بشری رسیده باشد. خشونت‌های فیزیکی، اعمال خشونت‌آمیز، آزار جنسی و توهین و افترا تنها تعدادی از ابعاد این خشونت‌ها است. ۶۰٪ این خشونت‌ها از سوی شوهر و سپس بستگان انجام می‌شود. بر اساس شکایاتی که کمیسیون حقوق بشر و انجمن ملی برای حقوق بشر دریافت کردند، سوءاستفاده از قدرت توسط مردان در زمینه‌های گوناگون انجام می‌شود، از جمله اجازه ندادن برای تحصیل، ندادن حق زنان و کودکان، رها کردن همسر و فرزندان از جانب مرد، مصادره اسناد و مدارک رسمی مانند کارت شناسایی برای پیشگیری از مسافرت و جلوگیری از دیدار زنان با فرزندان. در ذیل به توضیح برخی از این بی‌عدالتی‌ها و تبعیض جنسیتی بر اساس قوانین بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۱۴-۱ زنان عربستان و نظام قضایی بر اساس اسناد بین‌المللی

بر اساس ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون برخوردار شوند و بر اساس ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر هرکس با مساوات کامل حق دارد که

دعوایش به وسیله‌ی دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود. بر اساس مواد صریح اعلامیه جهانی حقوق بشر که جز اسناد لازم الاجرا می‌باشد، زنان به عنوان عضوی از جامعه عربستان حق مراجعه به دادگاه را دارند. (مهرپور، ۱۳۹۲: ۴۳۲-۴۳۳) در حالی که برخورد نظام قضایی با بانوان عربستان از جمله دیگر موارد تبعیض جنسیتی علیه این قشر از جامعه است که در واقع آنها را از احقاق حقوق خود و تظلم‌خواهی در قبال خشونت‌های صورت پذیرفته به نحو زیادی باز می‌دارد. بر این اساس، زنان عربستانی به تنهایی حق شکایت به دادگاه را نداشته و دادگاه تا زمانی که زنان دارای مجوزی از قیم یا سرپرست خود نباشند به مشکلات آنها رسیدگی نخواهد کرد. فقدان کارت شناسایی برای زنان وابستگی آنها را به مردان بیشتر می‌کند، برای نمونه هنگام حضور آنها در دادگاه انجام معاملات مالی و امور اداری و ... این وابستگی بیشتر به چشم می‌خورد. اگرچه از سال ۲۰۰۱ دستورالعمل صدور کارت شناسایی عکس‌دار برای زنان مطرح شد، اما برخی موانع همچنان مانع از اجرای کامل آن شده است.

۱۴-۲ نقض حقوق زنان زندانی در عربستان

بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری وضعیت زنان در زندان‌ها وضعیت اسفباری است. این در حالی است که عربستان سعودی علاوه بر پیوستن به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان، در سال ۱۹۹۷ به کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز پیوسته است و بر اساس مقدمه و مواد گوناگون این کنوانسیون متعهد به رعایت اصول انسانی با زندانیان است. بر اساس مقدمه کنوانسیون با در نظر گرفتن تکلیفی که کشورها بر اساس منشور، به ویژه ماده ۵۵ آن به منظور ارتقای احترام همه جانبه به حقوق

بشر و آزادی‌های اساسی و نیز رعایت آنها به عهده گرفته‌اند، با توجه به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین با در نظر داشتن اعلامیه حمایت از قربانیان شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی که در تاریخ نهم دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است و عربستان نیز در سال ۱۹۹۷ به آن پیوسته است و بر اساس مقدمه کنوانسیون که با استناد به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر می‌کند، هیچکس نباید تحت شکنجه یا رفتار یا مجازات‌های سبعانه غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار بگیرد.

در حالی که بر اساس گزارشات نهادهای حقوق بشری با زنان زندانی به شرح ذیل برخورد می‌شود:

- عدم رسیدگی به اعتراض زنان زندانی به وضعیت نامناسب: خشونت شدید علیه زنان در زندان «الصفاء»، اعتصاب غذای ۷ تن از زنان در اعتراض به رفتارهای خشونت‌آمیز علیه خود و همچنین تأخیر بی‌اندازه در صدور احکام این اعتصاب‌کنندگان با شکنجه مضاعف روبه‌رو شدند.

- استفاده از پابند برای تمام زندانیان زن در عربستان: علاوه بر دستبند و نصب دوربین‌های نظارت ۲۴ ساعته در زندان‌ها، حتی در سرویس‌های بهداشتی و سوءاستفاده از فیلم‌های ضبط شده. گزارش جمعیت حقوقی «حسم» از رفتارهای خشونت‌آمیز رژیم سعودی با معترضان و به خصوص زنان زندانی خبر می‌دهد.

- بدرفتاری و سوءاستفاده از زنان زندانی: شورش زنان زندانی شهر «مکه» در مرکزی به نام «مرکز بازپروری» به دلیل بدرفتاری و سوءاستفاده‌های مکرر جنسی زندانبانان.

- بی‌اعتنایی به درخواست نهادهای حقوق بشری جهت رسیدگی به وضعیت این زنان: بی‌اعتنایی مسئولان عربستان به درخواست جمعیت ملی حقوق بشر عربستان برای اعزام نماینده این جمعیت به مرکز مورد نظر.

۱۴-۳ زنان عربستان و ازدواج

بر اساس بند الف و ب ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند. ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود و بر اساس بند الف، ب، ج و ۲ ماده ۱۶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که در آن ذکر می‌گردد. الف. حق یکسان برای انعقاد ازدواج، ب. حق یکسان برای انتخاب آزادانه همسر و انعقاد ازدواج بر اساس رضایت آزاد و کامل طرفین، ج. حقوق و مسئولیت‌های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن و تصریح به این امر که نامزد کردن و تزویج کودکان، قانوناً بلا اثر خواهد بود و هرگونه اقدام لازم از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت اجباری ازدواج در یک دفتر رسمی باید اتخاذ شود. (مهرپور، ۱۳۹۲: ۵۳۳) در عربستان ازدواج با دختران خردسال بنا به ملاحظات پولی و مالی یا قبیله‌ای به اجبار آنها به پذیرش این نوع ازدواج‌ها انجام می‌شود. با دقت در مفاد کنوانسیون محو تبعیض مشخص می‌شود که هدف کنوانسیون محو تبعیض و ایجاد برابری در تمام اشکال و زمینه‌های آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است. (فضایلی، ۱۳۸۵: ۷۳)

۱۴-۴ تجارت انسان‌ها و همچنین تجاوز به خدمتکاران زن خارجی

نظام بین‌الملل حقوق بشر منع بردگی و برده‌داری را از جمله حقوق بنیادینی دانسته که از هنجارهای اساسی و تخطی‌ناپذیر حقوق بشر بوده و در کلیه اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به آن اشاره شده است. در زمینه منع بردگی دو کنوانسیون بردگی ۱۹۲۶ و کنوانسیون تکمیلی بردگی و مبارزه با رویه‌های مشابه بردگی ۱۹۵۶ به تصویب رسیده است. (عربستان به این کنوانسیون پیوسته است)، اما متأسفانه علی‌رغم تعهد ظاهری کشورها به مبارزه با بردگی و رویه‌های مشابه آن قانونگذاری متناسب با این رویه‌ها صورت نپذیرفته است. علاوه بر کنوانسیون‌های خاص راجع به منع برده‌داری اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ و ۴ به منع برده‌داری تصریح می‌کند.

بر اساس ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
و بر اساس ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است. (مهرپور، ۱۳۹۲: ۴۳۲)

بعد از فشارهای داخلی و خارجی، رژیم عربستان به رواج تجارت انسان و برده‌داری در این کشور اعتراف کرده و قوانینی را درباره تحریم اینگونه اقدامات اخیراً تدوین و تصویب کرده است.

۱۴-۵ حقوق زنان کارگر خارجی در عربستان از سوی کارفرمایان

حدود ۲۳۲ میلیون نفر (بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار تا سال ۲۰۱۳) کارگر مهاجر در سرتاسر دنیا شامل کارگران، پناهندگان، پناهجویان و مهاجران

دائمی وجود دارد که ۳ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و این واقعیتی است که امروزه به عنوان یک موضوع مهم بین‌المللی دارای ابعاد گسترده اجتماعی، اقتصادی، انسانی، حقوقی و سیاسی است. کنوانسیون حمایت از حقوق مهاجران در سال ۱۹۹۰ تصویب شد و پس از تصویب ۲۰ کشور در سال ۲۰۰۳ اجرایی شد. (مصفا، ۱۳۸۷: ۶۷)، ولی عربستان سعودی به این کنوانسیون نپیوسته است. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون به تمام کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان بدون توجه به هر گونه تبعیض مانند: جنس، نژاد، رنگ، زبان، مذهب و یا اعتقاد سیاسی و ... قابل اجرا است و در برگیرنده حمایت از حقوق تمام کارگران و خانواده‌های آنان در دوره کامل مهاجرت، حرکت، ترانزیت دوره اقامت و فعالیت فرد در کشور محل اشتغال و همچنین به دولت مبداء و یا محل سکونت خود می‌باشد. (مصفا، ۱۳۸۷: ۷۱) و بر اساس اعلامیه سازمان بین‌المللی کار برای اصول بنیادی و حقوق کار که در سال ۱۹۹۸ تصویب شد، تعهد دولت‌ها و سازمان‌های کارفرمایان و کارگران را برای رعایت ارزش‌های بشری که نقشی حیاتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی ما دارند، اعلام می‌دارد. عدم عضویت کشور عربستان در این کنوانسیون مهم بین‌المللی موجب شده به راحتی حقوق کارگران مهاجر به ویژه مهاجران زن که در خانه‌ها به عنوان خدمتکار مشغول به کار هستند، نادیده گرفته شود. این زنان مورد ضرب و شتم واقع می‌شوند و غذا و حقوق مناسبی به آنها داده نمی‌شود. از آنجا که حقوق اتباع بیگانه در عربستان به رسمیت شناخته نمی‌شود، اینگونه موارد قابلیت پیگرد قانونی نیز ندارد.

۱۴-۶ ورزش و زنان عربستان

بر اساس ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله‌ی مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمی مقام و نمو آزادانه‌ی شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد و بر اساس اعلامیه جهانی علیه آپارتاید در ورزش اصطلاح «آپارتاید» اطلاق می‌شود به یک سیستم سازمان‌یافته جدایی و تبعیض نژادی، به منظور ایجاد و حفظ تسلط یک گروه نژادی از اشخاص بر گروه نژادی دیگر از اشخاص و ظلم مداوم در حق آنان، به گونه‌ای که در آفریقای جنوبی اعمال می‌شود و «آپارتاید در ورزش» یعنی به کارگیری سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به چنین سیستمی در فعالیت‌های ورزشی، خواه بر مبنای حرفه‌ای یا به صورت آماتوری ترتیب یافته باشد. بر مبنای این اعلامیه می‌توان گفت منع حضور زنان در میدانی ورزشی اگر چه مصداق آپارتاید نژادی نمی‌باشد، اما کاملاً با آپارتاید جنسیتی یکسان است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی به تاریخ فوریه ۲۰۱۲ میلادی مدعی شد که مقامات عربستان رفتاری تبعیض‌آمیزی نسبت به ورزش زنان در آن کشور دارند. محافظه‌کاران مذهبی در عربستان معتقدند که قوانین اسلام ورزش زنان را در ملاء عام حرام کرده است. گفتنی است تا قبل از برگزاری المپیک ۲۰۱۲ لندن، عربستان هیچ ورزشکار زنی را به المپیک اعزام نکرده بود و در این رقابت‌ها بود که برای اولین بار دختری از عربستان در رشته‌ی جودو با پوشش اسلامی در رقابت‌های المپیک حاضر شد.

۱۴-۷ ممنوعیت رانندگی برای زنان

در ۲۴ اوت ۲۰۰۶ (میلادی) هم طرح یکی از نمایندگان مجلس مشورتی عربستان سعودی در مورد دادن حق رانندگی به زنان این کشور رد شد. همچنین بزرگان عربستان نیز بر حرام بودن رانندگی زنان به دلیل ایجاد فساد و آسیب رساندن به عفت عمومی پافشاری می‌کنند. دست اندرکاران امور راهنمایی و رانندگی در عربستان نیز اعلام کردند که علت ممنوعیت رانندگی زنان این است که اگر آنان روپند را نگه دارند، به سختی می‌توانند رانندگی کنند و این احتمال تصادفات را افزایش خواهد داد. منال شریف به عنوان اولین زنی که در عربستان رانندگی کرده است به مدت هشت دقیقه در شهر جدّه پشت رل نشست. ویدیوی هشت دقیقه‌ای رانندگی او در چند روز نخست بیش از نیم میلیون بیننده را جذب کرد. او چند روز بعد توسط پلیس مذهبی عربستان دستگیر و زندانی شد.

۱۴-۸ حق رأی زنان عربستان

بر اساس ماده ۷ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دول عضو برای رفع تبعیض از زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد، به ویژه حقوق زیر را در شرایط مساوی با مردان برای زنان تضمین خواهند کرد:

الف. رأی دادن در کلیه انتخابات و همه پرسشی‌های عمومی و داشتن شرایط نامزدی در همه اجتماعات منتخب عمومی؛

ب. مشارکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتصاب به سمت‌های دولتی و انجام کلیه مسئولیت‌های دولتی در تمام سطوح دولت؛

و این در حالی است که دولت عربستان اعلام کرده بود زنان نمی‌توانند در رأی‌گیری‌ها در این کشور مانند گزینش شورای شهر حضور یابند. علماء این تصمیم دولت را تأیید و رأی دادن زنان را موجب فساد و خلاف عفت دانسته‌اند. البته اخیراً، در چند ماه گذشته حق حضور زنان در انتخابات شوراها با محدودیت‌های بسیار از سوی پادشاهی آل سعود واگذار شد.

۱۴-۹ آموزش و پرورش در عربستان برای زنان و سهم مردم عربستان از اینترنت و جهانی شدن

بر اساس بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌گیرند و بر اساس بند ۲ آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر فرد را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حس تفاهم، گذشت و احترام به عقیده‌ی مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه‌ی فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید. با این که عربستان دختران را از آموزش منع نکرده است و حتی آموزش رایگان نیز برای ایشان در نظر گرفته است، ولی حضور دختران در آموزشگاه‌ها و مدارس بسیار محدود است. بر اساس آمار رسمی دولت سعودی، ۵۵ درصد دانش‌آموزان دبستان، ۷۹ درصد دانش‌آموزان راهنمایی و ۸۱ درصد دانش‌آموزان دبیرستان پسر

هستند. دیدگاه‌های سنتی در عربستان باعث شده است که بسیاری از دختران در سنین پایین مدرسه را ترک کنند. تحصیل زنان در همه رشته‌های فنی و مهندسی و نیز رشته حقوق ممنوع می‌باشد. علاوه بر این آنچه در مدارس دولتی عربستان تدریس می‌شود، بر قطبی شدن اجتماعی رشد محافظه‌کاری دامن می‌زند. همه مدارس دولتی چندین ساعت را به تدریس علوم دینی اختصاص می‌دهند که اثر همگونی بر شاگردان دارد. (دوماتو، ۱۳۸۰: ۲۷۶) از طرف دیگر یکی از روش‌های یادگیری و ارتباط با دنیا استفاده از شبکه‌های اینترنتی می‌باشد که مردم عربستان به ویژه زنان از کاربرد آن سهمی ندارند.

۱۴-۱۰ سهم مردم عربستان از اینترنت و جهانی شدن

به نظر می‌رسد که فناوری اطلاعات و سامانه‌ها (سیستم‌های) ارتجاعی مهم‌ترین فناوری آینده می‌باشد. گزاره‌های گیرا و جذابی مانند (جامعه اطلاعاتی) شبکه جهانی و دهکده جهانی بینش‌های آرمانی را به تصویر می‌کشند که با فناوری اطلاعات پیوند خورده است. با این حال نیروی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فناوری‌های ارتباطات دائماً مورد بحث و مجادله بوده است؛ چرا که خطرات و تعارضات نهادی در درون این فناوری نهفته است. (گریشنر، ۱۳۸۳: ۱۶) یک چشم‌انداز این بحث توسعه به سوی یک جامعه اطلاعاتی جهانی و پیامدهای اجتماعی (اجتماعی و سیاسی) آن است. منطقه عربی در زمینه توسعه شبکه‌سازی، پیش از مشکلات جهانی با تشکلات محلی همچون خط مشی‌ها (محدود کننده) رسانه‌ها و چندین رسانه‌های جدید از سوی مراجع دولتی روبه‌رو است. عربستان سعودی برخلاف برتری‌های مالی خویش کندترین سرعت رشد اینترنت و استفاده از آن را دارد و نسبت به توسعه کاربرد اینترنت نسبتاً منفعل و بی‌تفاوت است و

پیشرفت را کند کرده است. در آغاز دسترسی عمومی به دامنه‌های سطح بالا تنها در سال ۱۹۹۷ آغاز شد و تلاش‌ها چندی شده است در راه ایجاد یک شبکه محلی عربی ارتباطات داده‌ها، اما به دلیل کمبود استانداردها و شبکه‌های همگانی، همگی آنها شکست خوردند. با این حال رشد اینترنت و ساختار تی سی پی / ای پی که آن را برجسته می‌سازد، به گونه‌ای قابل توجه وضعیت را تغییر داده است. در نتیجه شبکه محلی فناوری اطلاعات عرب در دسامبر سال ۱۹۹۴ در قاهره بنیان گذارده شده. هدف کارشناسان عرب اینترنت از این ادغام ترویج شبکه‌ای کردن منطقه است. علاوه بر رایت نت که زیربنای لازم را برای ارتباطات بین‌المللی و محلی در دنیای عرب بهبود می‌بخشد.

۱۴-۱۱ حق کار و فعالیت زنان عربستان

در قوانین عربستان اشتغال زنان به هر کاری جز آموزش و پرستاری ممنوع است. آموزش برای زنان منحصر به کلاس‌های دختران می‌شود و آن‌ها حق آموزش برای پسران را ندارند. با این حال باز هم شرکت زنان در کارها بسیار بسته است و برای این کارها نیز اجازه رسمی شوهر یا ولی شرط محسوب می‌شود. همچنین علماء وهابی گماردن زن به هر کاری را که باعث همکاری و ارتباط با مردان نامحرم می‌شود، حرام اعلام کرده‌اند. به عنوان مثال یکی از نابرابری‌ها در عربستان در شغل بانکداری است. از مهم‌ترین چالش‌های فرا روی نظام بانکی عربستان وجود نابرابری‌های جنسیتی در ساختار مدیریت و اجرای بانک‌های عربستانی است و این نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در حالی مشاهده می‌شود که در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد حساب‌های بانکی (به ارزش ۷/۲ میلیارد دلار) در عربستان به زنان تعلق دارد و بانوان کنترل ۲۱ درصد سرمایه‌های

خصوصی کشور را در دست دارند. بنابر مطالعات اخیر پژوهشگران وزارت دارایی عربستان، بیش از ۵۶/۵ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های عربستان را زنان تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر نزدیک به ۶۰ درصد سرمایه‌گذاران در بورس و ۴۰ درصد سرمایه‌گذاران در بخش مستغلات عربستان هم زنان هستند. در عربستان سعودی تنها ۱۴ درصد نیروی کار فعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند که این کم در مقایسه با میانگین جهانی این شاخص بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. علاوه بر این زنان عربستانی شاغل در این کشور، از تبعیض‌های دستمزدان نیز رنج می‌برند به نحوی که میانگین دستمزد دریافتی زنان عربستانی طی سال‌های (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶) چندین بار کاهش یافته است. (لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۹)

۱۲-۱۴ ممنوع بودن حق سفر برای زنان بدون محرم

علماء حنبلی سفر زنان را بدون همراهی مردی از محارمش ممنوع می‌دانند. در عربستان این قانون به دقت اجرا می‌شود و به زنانی که محرمی به همراه ندارند، اجازه بیرون رفتن از خانه داده نمی‌شود. این قانون هم در سفرهای درون کشور و هم در سفرهای برون کشوری اعمال می‌شود.

۱۳-۱۴ حق پوشش زنان

برداشت علماء وهابی در عربستان از حجاب اسلامی پوشاندن تمام بدن از جمله چهره و دست‌ها است. پلیس دینی عربستان همواره بر این نوع پوشش زنان پافشاری داشته و زنانی را که چهره خود را در دیدگان مردم نمایان کنند به زندان و تازیانه محکوم کرده و قانون حجاب از زمینه‌های محدود کننده حضور زنان در جامعه است. عدم به رسمیت شناخته شدن هویت مستقل زنان، تا پایان سال ۲۰۰۴ میلادی زنان عربستان شناسنامه مستقل نداشتند و تنها نامشان در

شناسنامه پدر آورده می‌شد. از این سال به بعد آنان دارای شناسنامه مستقل شدند و برخی علماء عربستان مانند عبدالعزیز الشیخ با پافشاری بر حرام بودن گشودن چهره زنان مخالف خود را با عکس‌دار کردن شناسنامه‌های زنان اعلام کرد.

۱۵. گزارشات حقوق بشری در مورد عربستان

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ به عنوان نهاد اصلی سازمان ملل متحد تأسیس و جایگزین کمیسیون حقوق بشر شد. انگیزه مجمع عمومی از ایجاد یک نهاد جدید، برطرف کردن نقایص و ضعف‌های کمیسیون حقوق بشر و استفاده از تجربیات شش دهه فعالیت کمیسیون برای استقرار نهادی مؤثرتر و کارآمدتر بود. (اخوی، خداشناس، ۱۳۹۴: ۶۹۲)

شورای حقوق بشر در مدت چند سال فعالیت خود گستره وسیعی از موضوعات مربوط به حقوق بشر و همچنین وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف را بررسی کرده است. در مطلب ذیل به وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی از دیدگاه شورای حقوق بشر خواهیم پرداخت.

در بررسی دوره‌ای جهانی عربستان سعودی تنوع موضوعات مطرح شده به اندازه‌ای بود که همه عرصه‌های حقوق بشر اعم از حقوق مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی را در بر می‌گرفت.

موارد زیر مشخصاً از سوی دولت‌های عضو شورا به این کشور توصیه شد: از بین بردن تبعیض علیه زنان، لغو یا تعلیق مجازات اعدام و مجازات‌های بدنی یا تضمین حقوق کودکان، پذیرش درخواست بازرسان برای بازدید از این کشور، عضویت در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر رعایت آزادی بیان و عقیده، اصلاح قوانین ملی برای هماهنگی آنها با استانداردهای بین‌المللی منع اعدام

افراد کوچکتر از ۱۸ سال، فقدان تبعیض علیه اقلیت‌ها اصلاح سیستم قضایی و منع شکنجه و هرگونه مجازات بدنی زندانیان، گنجاندن حقوق بشر در برنامه‌های تحصیلی رعایت حقوق کارگران، افزایش تضمین‌های قانونی برای استقلال قضات و افزایش تلاش برای مبارزه با تروریسم. (اخوی، خداشناس، ۱۳۹۴: ۶۹۳)

اهم توصیه‌های ارائه شده به عربستان با پاسخ این کشور به آنها به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱. پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (پیشنهاد فرانسه و مکزیک)؛
 ۲. اجازه بازدید گزارشگران سازمان‌های حقوق بشری از کشور (پیشنهاد نروژ) و تعامل بیشتر با این سازمان‌ها (پیشنهاد نیوزیلند)؛
 ۳. اصلاح قوانین کشور برای تضمین برابری بین مردان و زنان، پیشگیری از خشونت علیه زنان، تضمین عدم تبعیض بر مبنای جنسیت، اعتقادات، قومیت و همچنین عدم تبعیض در مورد کارگران خارجی (پیشنهاد شیلی، نروژ، آلمان و امارات متحده عربی. عدم اعمال شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون ممنوعیت شکنجه (پیشنهاد کانادا)؛
- در پاسخ به این پیشنهادات دولت عربستان اعلام می‌کند که با شرط به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان یا حقوق کودک پیوسته است و خارج از آن برای عربستان تعهدی وجود ندارد.

- بررسی حقوق بشر عربستان در سال ۲۰۱۳: دوره اول فرایند بررسی دوره‌ای جهانی که از سال ۲۰۰۸ آغاز شده بود در سال ۲۰۱۱ به پایان رسید و دور دوم آن از سال ۲۰۱۲ شروع شد. در هفدهمین جلسه گروه کاری بررسی دوره‌ای جهانی در سال ۲۰۱۳ وضعیت حقوق بشر دوباره بررسی شد. در جریان بررسی دوره‌ای

جهانی دولت‌های عضو شورا توصیه‌هایی به شورا ارائه نمودند که عبارتند از:

۱. پیوستن به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و حذف شروط وارده بر آنها: الحاق به ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سوئد، فرانسه، مالدیو، تایلند، آلبانی، لیتوانی)؛ الحاق به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین پیوستن به موافقتنامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی (اسلواکی و اروگوئه). برداشت شرط خود بر کنوانسیون حقوق کودک (CFC) کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، (Cerd) و کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) (جمهوری چک، فرانسه، اسپانیا، اتریش و فنلاند)
۲. اصلاحات قضایی و حقوقی: اتخاذ یک قانون کیفری منطبق بر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر (اسلوانی، ایرلند)
۳. حقوق مدنی و سیاسی: اعمال آزادی مذهب و بیان و تصویب قوانینی برای تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی (بلژیک و اتریش). تضمین آزادی عقیده، مذهب، بیان و پیشگیری نکردن از ورود زائران سوری برای حج گزاردن، خودداری از سرکوب اشخاصی که خواستار آزادی سیاسی هستند.
۴. حقوق زنان و کودکان: پایان دادن به فرمان سلطنتی سیستم سرپرستی مردان و بزرگسالان بر زنان (سوئیس)، معرفی حداقل سن ازدواج بالای ۱۸ سال (آلمان)
۵. گسترش فرهنگ حقوق بشر در داخل کشور: بر اساس برنامه‌های آموزشی (ازبکستان، کوبا)، اتخاذ اقدام‌هایی برای افزایش آگاهی در زمینه برابری جنسیتی در همه زمینه‌ها مانند خانواده، کار، سیاست، آموزش و پرورش و ... (پاراگوئه، مصر، عمان)، افزایش آگاهی با گنجانیدن دروس حقوق بشری در برنامه درسی

مدارس و دانشگاه‌ها (ارمنستان، جیبوتی، سنگال)، همچنین افزایش آگاهی در زمینه برابری جنسیتی از طریق رسانه ملی (کامبوج)

۶. مجازات‌های بدنی و اعدام: منع اعدام افراد کوچک‌تر از ۱۸ سال، لغو مجازات‌های بدنی.

۷. عدم تبعیض و خشونت خانگی: حفاظت و حمایت از حقوق بشر برای همه افراد بدون تبعیض بر اساس جنسیت، خاستگاه، دین یا آداب و رسوم (فرانسه، لهستان، ویتنام)، عدم تبعیض آموزش و پرورش در مناطق مختلف کشور (شیلی، دولت فلسطین)، ممنوع کردن دستگاه‌های دولتی از درخواست اجازه سرپرست برای اشتغال زنان در بخش دولتی، مخصوصاً در شرایط شکایت زن از مرد به دلیل خشونت در خانواده (ایرلند)، اتخاذ سازوکارهای حمایت و جبران خسارت برای قربانیان سوءاستفاده‌های داخل خانواده. (فنلاند، لیتوانی، مولداوی، دانمارک، بلژیک)

۸. همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر: دعوت از گزارشگر ویژه در خصوص حقوق بشر مهاجران و همچنین گزارشگر ویژه درباره اشکال معاصر بردگی برای ارزیابی وضعیت کارگران مهاجر داخلی (شیلی)، دعوت از گروه کاری در خصوص تبعیض علیه زنان (مکزیک)

۹. مبارزه با قاچاق انسان

۱۰. حقوق کارگران

۱۱. حقوق اقتصادی

۱۲. اجتماعی و فرهنگی

۱۳. مبارزه با تروریسم (اخوی، خداشناس، ۱۳۹۴: ۶۹۴-۶۹۵)



پاسخ‌های عربستان به توصیه‌های بالا به ترتیب به شرح زیر است:

۱. حکومت عربستان به برخی از معاهدات بین‌المللی پیوسته است و در صورت تشخیص لزوم پیوستن به معاهدات دیگر این کار را انجام خواهد داد. حق شرط نیز حقی است که توسط قوانین بین‌المللی تضمین شده است، لذا عربستان خود را مجاز به استفاده از این حق می‌داند و در صورت لزوم از آن استفاده می‌کند؛

۲. مجازات اعدام، مجازاتی است که توسط قوانین اسلامی مقرر شده است و هیچ قدرتی قادر به لغو یا تغییر آن نیست. در بیشتر موارد قوانین جدید مطابق با استانداردهای بین‌المللی وضع شده‌اند که مراحل قانونی خود را برای اجرایی شدن طی می‌کنند؛

۳. عربستان هیچ توضیحی در قبال موارد ادعایی نقض حقوق مدنی و سیاسی ارائه نکرده است؛

۴. در خصوص حقوق زنان و کودکان، عربستان به ظاهر با بیشتر توصیه‌ها در این زمینه موافقت کرده است، اما توصیه‌هایی که با آن‌ها موافقت شده جنبه حاشیه‌ای و کم اهمیت دارند. درباره موضوع اساسی در این زمینه، یعنی برداشتن شروط وارد شده بر کنوانسیون حقوق زنان و کودکان، عربستان همچنان بر حفظ شروط خود تأکید کرده است؛

۵. عربستان در این زمینه توصیه‌ها را بدون هیچ توضیحی پذیرفته است؛

۶. به گفته حکومت عربستان حکم اعدام اغلب برای مهم‌ترین جرایم صادر می‌شود که آن نیز متعاقب یک محاکمه عادلانه مطابق با استانداردهای بین‌المللی انجام می‌شود. با توجه به تعریف کودک در قوانین پادشاهی عربستان، چشم‌پوشی از مجازات اعدام برای همه افراد زیر ۱۸ سال امکان‌پذیر نیست. بر

اساس برداشت حکومت عربستان، مجازات‌های بدنی تجویز شده در دادگاه‌ها ناقض ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه نیست؛

۷. نظام حاکم در پادشاهی عربستان به گونه‌ای است که زنان برای انجام کارها به اجازه شخص دیگری (مردان) نیاز دارند، اما مردان باید در صورت بروز خشونت خانگی پاسخگو باشند؛

در جمع‌بندی از دو بررسی دوره‌ای سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ باید گفت که تعداد توصیه ارائه شده از سوی دولت‌های عضو شورا در سال ۲۰۱۳ به مراتب بیشتر از دوره پیش بوده است (۲۲۵ توصیه در سال ۲۰۱۳ در مقابل ۵۳ توصیه در سال ۲۰۰۹) و به تبع آن پاسخ‌های دولت عربستان نیز بیشتر بوده است. بدون توجه به این جنبه کمی به نظر می‌رسد که از جنبه محتوا توصیه‌های ارائه شده در سال ۲۰۱۳ کمابیش در همان زمینه‌هایی بوده است که در دوره قبل نیز پیش‌بینی شده بود. بنابراین درمی‌یابیم که دولت‌های عضو شورا اقدام‌های انجام شده از سوی عربستان در سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ را در پاسخ به توصیه ارائه شده در سال ۲۰۰۱ کافی و قانع کننده ندانسته‌اند. (اخوی، خداشناس، ۱۳۹۴: ۶۹۸)

نتیجه‌گیری

عدم رعایت حقوق شهروندان عربستانی به ویژه حقوق زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و حقوقی و عدم عضویت کشور عربستان در معاهدات بین‌المللی مهم و بنیادین بین‌المللی حقوق بشر یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضا آنها و تکیه بر اصول و عقاید آیین وهابیت در توجیه نابرابری‌های اعمال شده تاکنون بارها خشم نهادهای مستقل حقوق بشری و ارائه گزارش‌های دوره‌ای جهانی توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گردیده است. بررسی گزارش‌های دوره‌ای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در عربستان نشان از آن دارد که کلیه کشورها از وضعیت اسفبار حقوق بشر در عربستان آگاهی دارند و سعی نموده‌اند با ارائه پیشنهادهایی به این کشور مانع ادامه روند بی‌عدالتی در عربستان شوند، اما این تلاش‌ها هیچ‌گاه به اقدام جدی (فراتر از پیشنهاد) برای مقابله با نقض آشکار حقوق بشر در عربستان نگردیده است. حمایت آمریکا و انگلستان از این کشور و توجیه مذهبی آل سعود از قوانین تبعیض‌آمیز در عربستان و ثروت هنگفت این کشور موجب شد با وجود تمام بی‌عدالتی‌های واضح و اطلاع مردم دنیا از وضعیت حقوق بشر در عربستان، این کشور در سال ۲۰۱۵ به عنوان عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد انتخاب شود. این انتخاب اثبات می‌کند که دلار عربستان بر اسناد حقوق بشر در عربستان ارجحیت داشته و توانمندتر است.

منابع

- ۱- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵) روند اصلاحات در نظام سیاسی عربستان سعودی، مجله مطالعات خاورمیانه.
- ۲- پیشوایی، فریده؛ پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹) گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۲۷.
- ۳- حسینی، طیبه‌سادات (۱۳۸۹) نگاهی به تصویر زن عرب در اشعار شاعران عرب، مجله طهورا، شماره ۵.
- ۴- حقانی زنجانی، حسین (۱۳۵۴) طلاق در عربستان قبل از اسلام، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۲، سال ۱۶.
- ۵- خداشناس، عباس؛ سادات‌اخوی، سیدعلی (۱۳۹۴) شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴، دوره ۴۵. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۶- دوماتو، نورعبدالله (۱۳۸۰) زنان و کار در عربستان سعودی مرزهای اسلامی تا چه اندازه نرمش پذیرند؟، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۸.
- ۷- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۸) شناخت سلفی‌ها وهابیت، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۸- روح الهی امیری، زهرا (۱۳۸۷)، تحول و تطور جایگاه زن در جزیره العرب، مجله طهورا، سال اول، شماره ۲.
- ۹- سبجانی، جعفر (۱۳۸۶) آیین وهابیت، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۰- علوی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۶) سهم زنان در بانکداری مردانه عربستان،

مجله بانک و اقتصاد، مرداد و شهریور.

۱۱- کریشنر، هنر (۱۳۸۳) اینترنت در جهان عرب آیا عربستان به سوی تشکیل جامعه اطلاعاتی گام برمی‌دارد؟، مترجم مهدی عباسی، نشریه فرهنگ و فناوری، شماره ۲.

۱۲- مصفا، نسرین (۱۳۸۷) نگاهی به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۱.

۱۳- مهرپور، حسین (۱۳۹۲) نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات.

۱۴. واسیلف، آلکسی (۱۳۷۸) مصاحبه با مدیر مؤسسه آفریقایی آکادمی روسیه وهاییون کیستند؟، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی